

ادامه از صفحه ۴

## احمدی‌مقدم در مظان اتهام

در پایان این بند، دیوان محاسبات موظف به رسیدگی به اقدامات متضمن نقض قوانین بودجه توسط مسئولان ذی‌ربط وقت و ارائه گزارش به تفکیک هر سال به کمیسیون برنامه و بودجه شده است. در توضیح بند «د» این گزارش که در آن عدم تسویه مبلغ شش‌هزار و ۳۳۶ میلیارد ریال بدهی نیروی انتظامی به شرکت ملی نفت ایران مورد بررسی قرار گرفته بود، بر اساس تفاهم‌نامه شهرویروما سال ۹۱ فی‌مابین وزیر وقت نفت آقای قاسمی و فرمانده وقت نیروی انتظامی سردار احمدی‌مقدم، مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران مهندس قلم‌قالبانی و مدیرعامل وقت بنیاد تعاون ناجا ابوالفضل قنبریور، خرید مستقیم ماهانه حداقل ۱۰ میلیون بشکه نفت خام سبک و سنگین ایران بنا به درخواست شرکت پتروئیتما، انرژی به‌عنوان طرف قرارداد مستقیم با شرکت ملی نفت ایران و وابسته به گروه سرمایه‌گذاری قدر مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد. بر اساس توافق مذکور درخصوص تضمین مورد نیاز، مقرر شده بود تا میزان ۱۰ میلیون بشکه ماهانه نفت خام و فرآورده‌های نفتی به ارزش تقریبی یک میلیارد دلار به صورت ماهانه و با تأیید فرماندهی ناجا بدون نیاز به ضمانت‌نامه بانکی، تحویل و مبالغ آن سه ماه پس از تحویل هر محموله به شکلی که وزارت نفت اعلام می‌کند، پرداخت شود.

با وجود پیگیری‌های مکرر شرکت ملی نفت ایران، وصول وجه ارزش محموله نفتی از شرکت پتروئیتما تاکنون به نتیجه نرسیده است، بنابراین به مبلغ ۱۸۵ میلیون و ۲۴۰ هزار و ۴۱ دلار بر اساس محاسبه امور مالی قراردادهای شرکت ملی نفت ایران تا پایان سال ۹۵ مبلغ ۹۵ میلیون و ۵۸۲هزار و ۸۵۶ دلار بهره تعلق گرفته است.

علاوه بر این، محموله دیگری نیز توسط ناجا به مقدار ۵۹۹هزار و ۱۵۳ بشکه نفت خام به ارزش ۱۷۱ میلیون و ۴۴۳هزار و ۱۴۰ دلار به شرکت پتروئیتما تحویل شده است، اما تاکنون این مبلغ با شرکت ملی نفت تسویه نشده است. همچنین تا پایان سال ۹۵ با احتساب نرخ تسعیر ارز، بدهی ناجا به شرکت ملی نفت شش‌هزار و ۵۷۴ میلیارد ریال است.

این گزارش درخصوص اقدامات نظارتی و نتیجه رسیدگی آورده است؛ با توجه به عدم ایفای تعهدات شرکت پتروئیتما در واریز وجه به حساب شرکت ملی نفت ایران و عدم رعایت قوانین و مقررات، این موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار دادسرای دیوان محاسبات قرار گرفت و رستم قاسمی وزیر وقت نفت، احمد قلعه‌بانی مدیرعامل شرکت ملی نفت و اسماعیل احمدی‌مقدم فرمانده وقت نیروی انتظامی به عنوان «خواننده» معرفی شدند.

وزیر وقت نفت در مقام دفاع و توجیه عملکرد خود پیرامون عدم وصول بهای نفت خام فروخته‌شده به شرکت پتروئیتما دفاعیه‌ای به دادسرای دیوان محاسبات ارسال کرد، اما فرمانده وقت نیروی انتظامی دفاعیه‌ای به دادسرا ارائه نداد.

هیئت مستشاری نیز وزیر وقت نفت و مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران را به دلیل اقدامات انجام‌شده جهت وصول مطالبات تیره کرده؛ اما تلسلف فرمانده ردیف سوم (فرمانده وقت نیروی انتظامی) را به دلیل عدم اقدام مؤثر و سریع درخصوص پرداخت وجه‌المعامله وارد دانسته و مشا‌زالیه را ملزم به واریز مبلغ ۱۸میلیون و ۵۲۴هزار و ۴۲ دلار به حساب خواننده‌اری کل کشور کرد.

لازم به ذکر است بنیاد تعاون ناجا صراحتا اعلام کرده است منابع زری حاصل از فروش نفت در حال انتقال به داخل است و تاکنون بخشی از آن به داخل کشور منتقل شده است. از آنجا که انتقال ارز مذکور با مشکلاتی روبه‌رو بوده است، اما با توجه به مشکلات و کمبودهای شدید اعتباری ناجا، بنیاد تعاون آمادگی دارد، از منابع مالی در اختیار به حساب خزانه واریز کند. درخصوص نتیجه قضائی بررسی این پرونده آمده است؛ بر اساس اطلاعات دریافتی از معاون حقوقی و امور مجلس ناجا، به دلیل عدم تسویه‌حساب شرکت پتروئیتما و عدم ارائه اطلاعات شفاف از سوی مدیران وقت این شرکت و بنیاد تعاون، موضوع در سازمان قضائی نیروهای مسلح، مطرح و پرونده قضائی علیه مدیران وقت تشکیل شده است و با توجه به پیگیری‌های قضائی پرونده، در حال حاضر مدیران مذکور به همراه تنی چند از افراد مرتبط با موضوع به حکم قاضی مذکور در زندان بوده، تحقیقات همچنان ادامه دارد و رای قضایی صادر نشده است.

بر اساس آخرین اظهارات مشا‌زالیه که اخیرا اخذ شده است، شرکت پتروئیتما هیچ وابستگی به بنیاد تعاون نداشته و یک شرکت کاملا خصوصی است و ادعاى وابستگی شرکت به بنیاد تعاون، صرفا بر اساس یک برگ توافقی بوده است که بین شرکت مذکور و بنیاد تعاون مبادله شده و بر این اساس مقرر بوده است تا ۵۰ درصد سهام شرکت پتروئیتما به بنیاد تعاون واگذار شود و این مهم هرگز عملیاتی نشده و حتی یک سهم از سهام شرکت مذکور به بنیاد تعاون ناجا انتقال رسمی نیافته است.

**شرق:** «برای واژگون‌کردن پایه‌های موجود جامعه هیچ وسیله‌ای مکارانه‌تر و اطمینان‌بخش‌تر و بهتر از خراب‌کردن و بی‌اعتبارکردن ارزش پول رایج آن کشور نیست. این فرایند همه نیروهای نهانی قانون اقتصادی را در جهت انهدام و ویرانی به کار می‌گیرد و آن را به‌صورتی عملی می‌کند که یک نفر از یک میلیون قادر به تشخیص آن نیست»(جان میازد کینز). در جریان تلاطم‌های اخیر بازار ارز، دولت تصمیم به یکسان‌سازی نرخ گرفت، اما این سیاست از دیدگاه بسیاری از تحلیلگران نمی‌تواند در شرایط فعلی توفیق داشته باشد. خارج از این تحلیل، اعتقاد به فعالیت آزادانه بازار ارز و سپردن بازار به رقابت آزادانه نرخ‌ها، روشی است که «عباس شاکری»، رئیس سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، بر آن تأکید می‌کند. شاکری که مدتی است برای گذراندن دوره مطالعاتی خود به کشور کانادا سفر کرده، به مسئولان هشدار می‌دهد در صورتی‌که دست سوداگران را در بازار ارز باز بگذاریم، باید منتظر نرخ ۱۰هزار تومانی دلار باشیم. عباس شاکری براساس سال‌ها مطالعه تخصصی خود روی موضوع ارز، یکی از راه‌های مهار تلاطمات در این بازار را زیر ذره‌بین بردن فعالیت صرافی‌ها می‌داند.

## ک دولت برای بازگرداندن تعادل به بازار ارز، سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز را با قیمت چهار هزارو ۲۰۰ تومان ابلاغ کرد. به نظر شما با ابلاغ این نرخ، می‌توان انتظار داشت تئوری مانند تجربه دوره‌های گذشته را در بازار ارز شاهد باشیم؟

در سال‌های اول و در کادر برنامه تعدیل ساختاری، وقتی موضوع تصحیح نرخ اثر مطرح شد، مسئولان اقتصادی و به‌ویژه رئیس وینک بانک مرکزی معتقد بودند اگر ما نرخ ارز را رها کنیم، قیمت آن نرخ، حدودا به ۱۴۰ تومان پیرش می‌کند، اما دوباره به حدود ۲۰ تومان برمی‌گردد و در یک وضعیت پکنواخت و تعادلی اصلاح‌شده جدید قرار می‌گیریم. آنها ادعا می‌کردند به‌این‌ترتیب هم صادرات مجال رشد پیدا می‌کند هم واردات محدودتر شده و راه رشدی‌های بالا هم هموار می‌شود. در آن زمان استاد فقید مرحوم دکتر عظیمی در یک سخنرانی و تحلیل مستدل بیان کرد که اگر شما همین‌طور که الان می‌خواهید بدون مقدمه آن را رها کنید و هیچ مقدمه و بستری هم برای آن آماده نکنید، نرخ از ممکن است به هزار تومان هم برسد. مسئولان وقت به آن هشدار هیچ اعتنایی نکردند و بدون بسترسازی نهادی تأمین شفافیت حساب‌پذیری، محدودکردن جولانگاه‌های فساد و… نرخ ارز را رها کردند؛ برای مثال در سال ۷۲ گفتمند از یک نرخ ارز-تورم در اقتصاد شکل گرفت که تا امروز این ماریج فعل است و هزینه‌های آن همچنان گریبان‌گیر جامعه تولیدکنندگان و مردم است. اساسا طراحان و مجریان برنامه‌های تعدیل در ایران بیش‌ازحد توهم‌آمیز و ساده با موضوع اقتصاد ایران برخورد می‌کنند.

## ک به‌رحال سیاست یکسان‌سازی گامی به سمت اصلاح اقتصاد است.

اساسا اصلاح اقتصاد را در افزایش نرخ ارز، نرخ بهره و قیمت حامل‌های انرژی و متغیرهای کلیدی دیگر می‌دانند، اما شفافیت، محدودکردن مجاری فوق بودجه‌ای، مبارزه با فساد و سوداگری و قانون‌گریزی اصلا مورد توجه و تأکیدشان نیست؛ بنابراین همواره بر اثر اجرائی برنامه‌های پیشنهادهی ایشان در ایران فساد افزایش یافته است. شرکت‌های اقنماری و غیرشفاف و مجاری بودجه‌ای گسترش یافتند. سوداگری و فعالیت‌های مزاحم به سکه رایج کشور بدل شد.

## ک اصلاح اقتصاد از نظر شما چگونه اتفاق می‌افتد؟

ما همیشه به این آقایان گفته و می‌گویم اول اصلاحات اقتصادی یک امر پیچیده است و باید ابتدا بستری نهادی و مقدمات آن را فراهم کرد و نمی‌شود با چند تغییر کلیدی مثل نرخ ارز و نرخ بهره مشکل آن را حل کرد. اگر شما اصرار دارید که روشنان درست است، متغیرهای کلیدی را به هر مقدار که شما می‌گویید بالا ببرد، اما قول بدهید ان وضعیت تعادل یکنواختی حاصل شود، ۲۷ سال پیش وعده داده بودید ایجاد کنید و اقتصاد را به آن وعده‌ووعیدها برسانید. نمی‌شود ۲۰ سال اقتصاد در باتلاق فتر ارز، تورم و متغیرهای کلیدی دستکاری‌شده تورم‌زا غوطه‌ور باشد و همه سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن به نابودی کشیده شود. یکی از مشکلات اساسی در کشور ما این است که مدیران و مشاوران آنها هیچ تجربه‌ای برای تصمیم‌های توهم‌آمیز خود پرداخت نمی‌کنند. هر تصمیمی خواستند می‌گیرند و وقتی‌که عواقب آن آشکار می‌شود، شروع به فرافکنی کرده و خود ناقد و ناجی می‌شوند.

## ک برخی از همین مدیران از افزایش نرخ ارز به دلیل تأثیری که بر رشد اقتصاد دارد، دفاع می‌کنند.

جالب اینجاست که ما نرخ ارز را از ابتدای برنامه اول تا امروز حدود هزار برابر پرش داده‌ایم اما رشد، رقابت‌پذیری، اشتغال و حتی صادرات ما هر روز با موانع و مشکلات بیشتری مواجه شده است. وقتی سال ۹۰ و ۹۱ نرخ ارز حدود چهار برابر شد، یکی از آقایان مشاوران امروزی گفتند که عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد. ما می‌خواستیم ولی این باعث می‌شود تولید و صادرات رشد کند و مشکلات اقتصاد حل شود. این در حالی بود که این رخداد اقتصاد ایران را به دام یک رکود فراگیر انداخت که هنوز هم نمی‌تواند از آن بیرون آید.
بله وقتی نرخ ارز پرش شدید می‌کند، صادرات مبتنی بر منابع طبیعی و کالاهای اولیه به‌طور موقت رشد می‌کند اما چنان هزینه‌ها در کشور بالا می‌رود که آنها

## اقتصاد

**هشدار «عباس شاکری»**، رئیس سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، نسبت به تورم نرخ ارز

# گرفتار ماریج ارز\_ تورم شدیم



علمبر.

رونق رستمی، شرقی

هم دوباره محدود می‌شوند و اقتصاد و جامعه درگیر

ده‌ها بلای دیگر نیز می‌شود.

## ک بعضی از کارشناسان هم اظهار می‌کنند که این بی‌ثباتی‌های ارزی منطقی است. فنر تورم دارد خودش را تخلیه می‌کند.

در اینجا چند نکته قابل ذکر است. نخست اینکه اقتصاد یک دانش اجتماعی است و معیار علمی بودن تحلیل‌های آن این است که ما هر چیزی را که بر متغیر مورد بحث اثر می‌گذارم، باید ببینیم. تحلیل‌های کارپردی، کلاس درس یا تدوین کتاب نیست که با ثابت فرض‌کردن سایر شرایط هر چه خواستیم بگوییم و

وقتی موضوع تصحیح نرخ اثر مطرح شد، مسئولان اقتصادی و به‌ویژه رئیس وینک بانک مرکزی معتقد بودند اگر ما نرخ ارز را رها کنیم، قیمت آن نرخ، حدودا به ۱۴۰ تومان پیرش می‌کند، اما دوباره به حدود ۲۰ تومان برمی‌گردد و در یک وضعیت پکنواخت و تعادلی اصلاح‌شده جدید قرار می‌گیریم. آنها ادعا می‌کردند به‌این‌ترتیب هم صادرات مجال رشد پیدا می‌کند هم واردات محدودتر شده و راه رشدی‌های بالا هم هموار می‌شود. در آن زمان استاد فقید مرحوم دکتر عظیمی در یک سخنرانی و تحلیل مستدل بیان کرد که اگر شما همین‌طور که الان می‌خواهید بدون مقدمه آن را رها کنید و هیچ مقدمه و بستری هم برای آن آماده نکنید، نرخ از ممکن است به هزار تومان هم برسد. مسئولان وقت به آن هشدار هیچ اعتنایی نکردند و بدون بسترسازی نهادی تأمین شفافیت حساب‌پذیری، محدودکردن جولانگاه‌های فساد و… نرخ ارز را رها کردند؛ برای مثال در سال ۷۲ گفتمند از یک نرخ ارز-تورم در اقتصاد شکل گرفت که تا امروز این ماریج فعل است و هزینه‌های آن همچنان گریبان‌گیر جامعه تولیدکنندگان و مردم است. اساسا طراحان و مجریان برنامه‌های تعدیل در ایران بیش‌ازحد توهم‌آمیز و ساده با موضوع اقتصاد ایران برخورد می‌کنند.

نکته دوم این است که شما سال ۱۳۵۶ را که در آن بیش از ۲۰ سال نرخ ارز حول‌وحوش یک نرخ مشخص بوده است، انتخاب کنید و تفاوت تورم ایران و آمریکا با ایران و OECD را در آن لحاظ کنید؛ نرخ ارز حدود نصف آنچه الان هست، خواهد بود.

در سال‌های گذشته که تورم تک‌رقمی شده بود و آقایان تورم تک‌رقمی را به‌عنوان دستاورد مهم دولت مطرح می‌کردند، آیا باید دوهزار تومان به نرخ ارز اضافه شود؟ این‌طور که آقایان توجیه می‌کنند، تولید داخلی ملسی ما باید به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار تنزل کند؛ یعنی کاهش ۳۰ درصدی به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تنزل است؟ نکته سوم این است که ترکیب واردات را ملاحظه کنید؛ مواد اولیه روغن‌های نباتی و تولید دام و طیور و نهاده‌های تولید، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای.

گران‌شدن ارز به‌طور سریع از طریق فشار هزینه‌ها به تورم هزینه‌تولید بسدل می‌شود و تولیدکننده داخلی را تحت فشار قرار می‌دهد. ترکیب صادرات هم جالب است. اقلام عمده آن معادن و پتروشیمی و مِعبانات گازی که بسیاری از آنها خوراک پاره‌انهای می‌گیرند و ارزش‌شان را هم به بانک مرکزی نمی‌دهند، است

بالارفتن نرخ ارز برای آنها که در مراکز تصمیم‌گیری دست‌های قوی دارند، خیلی سودآور و خوب است. اما با وجودی که نرخ ارز از هزار برابر کرده‌ایم، حتی توانسته‌ایم جایگاه صادرات فرش، پسته و زعفران را هم حفظ کنیم؛ ازتفا پیشکش.

## ک تبعات رشد نرخ ارز بر معیشت خانوار چیست؟

با این پرش‌های ارزی قیمت نسبی کلیدی نیروی انسانی متخصص و مولد تشدیدا کاهش می‌یابد، به‌طوری‌که به دنبال این هستند که با هر قیمتی شده روند در کشور دیگر و حقوق دلاری بگیرند. در تخصصی منابع بحث بر سر بودید ایجاد کنی است. یکی از دلایلی که اقتصاد به این روز نرفته، این است که نیروی انسانی مولد و کیفی بر حسب کالاهای دیگر روزبه‌روز بی‌ارزش می‌شود و این نکته‌ای است که طراحان بازی مستمر با نرخ ارز و شوک درمانی از آن غافل‌اند. علاوه‌براین هر بار که تلاطم این چنینی در نرخ ارز رخ می‌دهد، دهک‌های از طبقات پایین جامعه از بعضی کالاهای اساسی خوراکی، بهداشتی و آموزشی محروم می‌شوند؛ البته در شرایط امروز اقتصاد ایران نباید بحث‌های رفاهی را یک‌جانبه مطرح کرد اما اینکه ما در ازای هیچ و در ازای بهره‌مندی عوامل سوداگر و نامولد، مردم را در تنگنا قرار دهیم، هیچ توجیهی ندارد. امروز بسیاری از ناهنجاری‌های روانی و اجتماعی که در جامعه رشد یافته، تا حد زیادی معلول این شوک‌درمانی‌هاست.

**ک در سال گذشته بانک مرکزی برای جلوگیری از شوک نرخ ارز بسته‌ای طراحی کرد که در آن فروش اوراق ارزی با نرخ ۲۰ درصد، فروش سکه و اوراق حساب ارزی پیش‌بینی شد. چرا این تصمیمات توانست در بازار ارز مؤثر واقع شود؟**

در همان زمان که آقایان گفتند برای اینکه نقدینگی‌ها سرعاً بازار ارز نرود، اوراق گران سپرده با نرخ بهره ۲۰ درصد منتشر کنیم؛ در چند روز ۲۴۰ هزارمیلیارد تومان از این اوراق فروخته شد اما هیچ تأثیری هم در نرخ ارز نداشت. این به معنی آن است که نرخ تسهیلات عملا حدود ۲۰ درصد است و در

اتفاقا برعکس است. ثمره اجرای سیاست‌های تک‌سویه‌نگر و شوک‌درمانی (که در دولت دهم به شکل قوی‌تری انجام شد) این شده است که یک تقاضای سه‌میلیونی برای کالاهای لوکس، سفر تالیوان و ترکیب، آمریکا کانادا، اروپا و… خودروهای لوکس و خرید خانه و ویلا در خارج شکل گرفته است که اینها وقتی پرش ارزی صورت می‌گیرد، وضعشان خیلی بهتر می‌شود و اساسا این گروه نویکسه بسیار تجملی و مرفه از محل همین بی‌ثباتی‌ها به وجود آمدند.

## ک درباره قاچاق چطور؟ آن را محدودتر نمی‌کند؟

روند قاچاق را در سه دهه گذشته در نظر بگیرید و همبستگی بالای آن با اجرای شوک‌درمانی‌ها را ببینید. البته نقش دست‌های منفعت‌طلب سازمان‌یافته و گروه‌های صاحب‌قدرت در قاچاق را نیز نباید فراموش کرد؛ اما تأکید من این است که نمی‌توان با این، البته تصحیح قیمت‌ها در شرایط شفاف و ایجاد بدنه‌های نهادی ضروری واقعی‌تری است که مطابق با اقتضانات تخصصی منابع باید به آن توجه شود و آن هم نه یک بار یا دو بار، اینکه ۳۰ سال مشغول شوک‌درمانی و به‌اصطلاح اصلاح قیمت هستیم، مشکل از روش نگاه‌ها و سیاست‌های ماست. ما باید توجه داشته باشیم که داریم کشته‌های خود را درو می‌کنیم، باید مسئولیت نحوه‌کشت را بر عهده بگیریم و از فرافکنی اجتناب کنیم.

متخصصان و کارشناسان اقتصادی هم باید در حوزه مسکن، نقدینگی و ترکیب آن و کارکرد نظام بانکی، ارز، بهره، قاچاق، فساد، انحصارات و زودبندها با جزئیات

وارد شوند و تحلیل‌های واقعی‌تری ارائه دهند و بیشتر به اقتصاد بپردازند تا حاشیه‌های تریینی و بحث‌های نامرتب. برای هر کدام از موضوعات فوق صدها فکت و شاهد و تجربه تاسف‌آور وجود دارد که بررسی آنها دید نظری ما را هم ارتقا می‌دهد. مثلا آنچه در مورد نقدینگی و کارکرد آن و عملکرد بانک‌های خصوصی ارز برای واردات از سلیمانیه و افغانستان هستند؛ وقتی ۹۰ درصد نقدینگی آماده برای فعالیت‌های تجارت، سوداگری است و وقتی همه منابع ارزی به نفت و پتروشیمی و مِعبانات گازی و معدن تعلق دارد، بازار عمیق رقابتی ارز موضوعیت ندارد. چرا شما این ناسامانی‌های بی‌سابقه را به کارکرد بازار نسبت می‌دهید؟ آیا این علم است یا تحریف و زیر پا گذاشتن علم؟

علم اقتصاد پیچیده و دقیق است. نباید صرفا به رهاکردن نرخ بهره، نرخ ارز و سایر متغیرهای کلیدی اقتصاد تقلیل یابد. اگر این‌طور باشد، می‌توان این بسته سیاستی را روی مقوا نوشت و همه افراد پشت چراغ قرمز دو دقیقه‌ای اقتصادان می‌شوند. متأسفانه حال و روز ۲۰ساله ما در حوزه علم اقتصاد این بوده است و وقتی هم با نتایج فاجعه‌آمیز و فلاکت‌بار مبتنی بر این تحلیل‌های ساده مواجه می‌شویم، شروع به فرافکنی و روش‌های غیر اخلاقی می‌کنیم و خود از همه منتقدتر می‌شویم؛ ولی شرایط کشور ایران بسیار خطرناک است. باید دولت محترم و همه گروه‌ها و جناح‌ها و حتی افراد به دور از گرایش‌های حزبی و گروهی با هم تفاهم کنند و اقتصاد ایران را از این وضعیت بی‌ثبات نجات دهند. اداره اقتصاد به تدابیر همه‌جانبه‌نگر و عمیق نیاز دارد. برجام برای کشور خیلی سودمند بوده است، بهانه‌های کشورهای جنگ‌طلب را بی اثر کرد و زمینه‌های تفاهم بیشتر با دنیا را فراهم و فشارها را کم کرد. ما باید از این شرایط بهتر استفاده می‌کردیم؛ اما عملا وقتی برای واردات و فرار سرمایه تسهیل صورت گرفته است و برای تولید و صادرات خیلی کمتر کار شده است. باید مشکل را در موضع خود حل کرد.

### ک راهکار چیست؟

الان هم که بعضی کشورها می‌خواهند فشار بیشتر بر کشور وارد کنند، ما باید با ایجاد ثبات اقتصادی و اداره متغیرهای کلیدی آنها را مایوس کنیم. نه اینکه طوری تغییر اداره شود که منافع گروه سوداگر نامولد به قیمت بی‌ثباتی اقتصاد تأمین شود. این بی‌ثباتی‌ها زیر پای شما را در مذاکرات و مواجهه با باج‌خواهی‌های بعضی کشورهای خارجی خالی می‌کند.

بنده درباره ارز تنها در سال‌های گذشته صدها صفحه مطلب نوشته‌ام؛ به‌عنوان نمونه در سال ۹۱ در اتاق بازرگانی تهران با حضور آقایان محترم واعظی و کریاسیان با ارائه سه اسلاید نشان دادم که ماریج ارز – تورم برای کشور مضر است و تداوم آن نتهت‌ها برای تولید و صادرات کاری نمی‌کند؛ بلکه وضعیت را بدتر هم می‌کند. هنر و مسئولیت مدیران اقتصادی کشور این است که این ماریج و فنر را از کار بپندارند؛ نه اینکه با بسته‌های تسویه و تعادل (و حتی دوترتشدن اقتصادی از آن) نمی‌توان از مردم توقع داشت که نسبت به فقیرترشدن خود نگران نباشند. ما تا به حال هرچه از مردم و طبقات متوسط و سهم عوامل مولد در اقتصاد کم کرده‌ایم، به توسعه اضافه نکرده‌ایم به ثروت عوامل نامولد، سوداگران و قاچاق و انحصار اضافه کرده‌ایم و این زیبنده نیست.

**نکته‌ای که در مورد محاسبات نرخ ارز مبتنی PPP نسبی وجود دارد این است که نرخ ارز سال پایه باید نرخ تعادلی باشد؛ نمی‌شود نرخ ارز سال ۷۴ یا ۸۰ یا ۸۵ یا ۹۰ را ملاک قرار داد، وقتی نرخ ارز ۲۰ سال قبل ۱۳۵۶٪ حول‌وحوش بود مقدار معین است، ما نرخ تعادلی را نرخ سال ۵۶ در نظر گرفته‌ایم.**

♦ مستندات این گزارش در روزنامه موجود است.

خبر

## ۹۰ درصد کار بازخوانی جعبه سیاه ATR یاسوج انجام شد

● مدیرکل بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی با اشاره به ادامه بررسی‌های تیم فرانسوی و ایرانی درباره علت سانحه ATR تهران- یاسوج و بازخوانی جعبه سیاه، گفت: در حال حاضر ۹۰ درصد عملیات بررسی این سانحه انجام شده است. حسن رضایی‌فر در گفت‌وگو با فارس، در تشریح آخرین جزئیات بازخوانی اطلاعات جعبه سیاه (CVR و FDR) هواپیمای سانحه‌دیده ATR که در ارتفاعات یاسوج سقوط کرد، توضیح داد: عملیات بازخوانی اطلاعات کماکان در حال انجام است. ضمن آنکه تیم فرانسوی نیز به‌عنوان سازنده هواپما به صورت مجزا در حال بازخوانی اطلاعات است. وی با اشاره به اینکه تیم ایرانی در حال تجمع یافته‌هاست، ادامه داد: مقرر شد پس از تکمیل بررسی‌های تیم فرانسوی، آنها به ایران بیایند و پس از اتمام بررسی‌های تیم ایرانی و توافق دو طرف در حوزه اتمام بررسی‌ها، علت وقوع سانحه مشخص شود. مدیر کل بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی ادامه داد: فرانسوی‌ها به ما اعلام کردند که احتمالا تا ابتدای خردادماه ۹۷ عملیات بررسی و بازخوانی جعبه سیاه به اتمام می‌رسد، اما ما اعلام کردیم این زمان کمی طولانی است و هرچه زودتر نتیجه بررسی‌های خود را به ما اعلام کنند. رضایی‌فر با تأکید بر اینکه نظر قطعی درباره علت وقوع این سانحه از سوی سازمان هواپیمایی ایران اعلام می‌شود، اظهار کرد: در حال حاضر ۹۰ درصد عملیات بررسی این سانحه انجام شده است. مدیرکل بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی بیان کرد: اگر این بررسی‌ها کمی به طول انجامید، به دلیل ورود نهادهای قضائی و امنیتی به این سانحه بود، ما باید به مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و نهادهای یاسخ‌گو به صورت متناوب درباره این سانحه توضیح دهیم که همین امر موجب شده است بررسی‌ها کمی زمان‌بر شود، ضمن آنکه پس از این سانحه، سانحه سقوط هواپیمای چلچر ترکیه را داشتیم که کار ما را افزایش داد.

## بانک مرکزی ۳۳ اولویت تأمین ارز را تعیین کرد

● بانک مرکزی در مصوبه‌ای ۳۳ اولویت تخصیص ارز را که ارز مسافرتی، ارز درمانی، ارز ماموریت و ارز دانشجویی هم شامل این موارد می‌شود، تعیین کرد. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، در راستای اجرای تصویب‌نامه شماره ۴۲۴۳/ت/۵۵۳۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۱/۱۲ هیئت وزیران مبنی بر تعیین سیاست‌های جدید ارزی، بدین وسیله به اطلاع می‌رساند مقررات مربوط به شرایط و نحوه تأمین ارز برای موارد زیر توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به شبکه بانکی کشور ابلاغ شده است:
۱- ارز مسافرتی
۲- ارز درمانی
۳- ارز ماموریت
۴- ارز دانشجویی
۵- ارز بانکی فرصت‌های مطالعاتی و هزینه‌های درمانی اعضای هیئت علمی
۶- ارز بابت حق عضویت و حق ثبت‌نام در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و محافل علمی و چاپ مقالات علمی
۷- هزینه شرکت در نمایشگاه‌های خارج از کشور
۸- هزینه برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی
۹- حق‌الوکاله در دعوی‌وی خارجی
۱۰- اصل و سود سرمایه‌گذاری خارجی
۱۱- کارمزدهای اعتبارات استنادی، حواله‌ها و ضمانت‌نامه‌های ارزی
۱۲- هزینه دفاتر خارج از کشور
۱۳- هزینه اجاره و اشتراک شبکه‌های اطلاعاتی
۱۴- هزینه انجام آزمایش‌های علمی و فنی، انتشار آگهی‌های در خارج از کشور و دریافت کوبه‌های بین‌المللی
۱۵- هزینه خرید امتیاز بخش فیلم و دریافت‌های ماهواره‌ای و ارتباطی
۱۶- هزینه شرکت‌های بیمه ایرانی
۱۷- فروش ارز به شرکت‌های منتخب برای اعزام زائرین به عمره مفرده و متمات عالیات (عراق)
۱۸- هزینه شرکت در آزمون‌های بین‌المللی که توسط سازمان سنجش آموزش کشور در داخل کشور برگزار می‌شود
۱۹- هزینه‌های در امتحانات علمی و تخصصی خارج از کشور
۲۰- بازپرداخت تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی (دولتی و خصوصی)، فاینانس غیرخودگردان، بانک توسعه و تجارت اکو، بانک جهانی و بانک توسعه اسلامی.
۲۱- هزینه‌های تسویه‌حساب، ناوریت، هندلینگ، لندینگ، حقوق خمه خارجی شرکت‌های هواپیمایی
۲۲- هزینه حق بیمه هواپیماها
۲۳- حقوق و مزایای کارکنان خارجی در داخل کشور
۲۴- هزینه‌های انتقال از بابت درآمد کنسولی سفارتخانه‌های خارجی
۲۵- هزینه‌های انتقال درآمد ریالی شرکت‌های هواپیمایی خارجی
۲۶- هزینه‌های مطالبه ارز ضمانت‌نامه‌های خارجی
۲۷- هزینه‌های رانندگان حمل‌ونقل بین‌المللی
۲۸- هزینه‌های فرصت‌های مطالعاتی
۲۹- هزینه‌های شرکت در دوره‌های آموزشی خارج از کشور
۳۰- هزینه‌های حق عضویت و ثبت‌نام در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی
۳۱- هزینه‌های انتقال جسد از خارج از کشور و هزینه‌های وابسته
۳۲- هزینه‌های ارزی راه‌آهن و شرکت‌های ریلی
۳۳- هزینه‌های تبدیل موجودی ریالی حساب‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور. لازم به ذکر است جزئیات مربوط به میزان ارز قابل تأمین برای هر یک از موارد فوق و ترتبات و مدارک لازم برای تأمین آن بر اساس بخش‌نامه‌های ابلاغی این بانک به شبکه بانکی خواهد بود.